

نکاح در اسلام یک امر مستحب موکد است که گاهی به عللی همچون سالم ماندن افراد و دوری از گناه واجب می گردد. به اعتقاد همه مسلمانان در صدر اسلام سه نوع ازدواج متداول بوده است نخست نکاح دائم، دوم نکاح با کنیزان، و سوم نکاح متعه. امروزه نکاح با کنیزان عملاً انجام نمی شود و در مورد نکاح متعه اختلاف نظر است، تمام مذاهب به مشروعیت نکاح متعه در عصر پیامبر اتفاق نظر دارند ولی محل بحث، تداوم حلیت و یا حرمت بعد از حلیت می باشد. برخی مدعی نسخ یا منع حکومتی نکاح متعه هستند، در مورد نسخ، اقوال متفاوتی وجود دارد برخی معتقدند هیچ آیه ای در نسخ آیه استمتاع (نساء/۲۴) نازل نشده و نسخی از طرف پیامبر صورت نگرفته است بلکه منع متعه را، از طرف دستگاه خلافت دانسته اند که آن هم نافذ نمی دانند و در پشتوانه از این دیدگاه (شیعه) احادیث زیادی از اهل بیت (ع) نقل می کنند. عده ای اعتقاد به نسخ با آیات و روایات دارند و برخی نسخ به آیات را نمی پذیرند ولی اعتقاد به نسخ به روایات دارند و آخرین گروه، افرادی هستند که نکاح متعه را یک نکاح تاریخی می دانند نه یک نکاح شرعی.

در کتب تفسیری به این مسئله در ذیل آیات متعددی پرداخته شده است و هر گروه از مفسران کوشیده اند تا به اثبات دیدگاه خویش و نفی نظر گروه مقابل پردازند. در بعضی از کتب نیز مناظراتی از دانشمندان شیعه و سنی گزارش شده است. به طور نمونه در تفسیر القرآن المجید شیخ مفید، مناظرهای مفصل در این باب آمده است که مطالعه آن به مشتاقان این بحث سفارش میشود (شیخ مفید، ۴۲۴۱: ۱۴۱-۲۵۱).

عدم پذیرش حلیت دائمی نکاح متعه از طرف اهل تسنن موجب ایجاد وضعیتی در جوامع آن ها شده است چنانچه امروزه در کشورهای عربی مشاهده می کنیم برای جبران این کاستی، انواع ازدواج های نوپدید مثل نکاح مسیار و نکاح دوستی و... متداول شده است علمای اهل تسنن نظرات متفاوتی در باره مشروعیت این ازدواج ها دارند از آنجا که نکاح مسیار (نوعی نکاح دائمی است) شباهت های زیادی با نکاح متعه دارد در این نوشتار ویژگیهای این نکاح و تفاوت ها و شباهت های نکاح مسیار با نکاح متعه بررسی می شود

نکاح متعه از جهات مختلفی قابل بحث است؛ علم کلام، فقه، تفسیر و ... به جهت رویکرد تفسیری این نوشتار، تفسیر آیات مرتبط با نکاح متعه به خصوص آیه شریفه «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ...» (نساء/ ۴۲) در قالب یک بحث تطبیقی به تحقیق و بررسی گذاشته می شود در این بحث نظرات و دلایل مفسران موافق و مخالف نکاح متعه شرح داده شده و بررسی می شود. با توجه به اینکه آیه استمتاع از آیات مشکله می باشد که مفسران نظرات متفاوتی پیرامون تفسیر این آیه دارند لازم است دانشپژوهان قرآنی در این زمینه اطلاعاتی داشته باشند.

مسئله ازدواج موقت از احکامی است که مورد اختلاف جدی میان شیعه و اهل سنت قرار گرفته است، چرا که با وجود اجماع میان شیعه و اهل سنت بر اصل مشروعیت متعه، اهل سنت مدعی نسخ یا منع حکومتی آن پس از مشروعیت هستند.

پیشینه ازدواج موقت

ازدواج موقت نه تنها در صدر اسلام و زمان حیات پیامبر اکرم (ص) وجود داشته است بلکه در گزارشهای تاریخی آمده است که قبل از اسلام نیز متعه رایج بوده است. البته بدون مهریه و مراسم رسمی خواستگاری. این نوع ازدواج، ازدواجی مدت دار بوده که با پایان یافتن زمان مقرر زوجین از هم فاصله گرفته و جدا میشدند (جوادی علی، ۱۳۸۰، ق، ج ۵: ۶۳۵؛ فضل آبادی، ۱۳۹۰: ۱۷). در آغاز اسلام نیز چنین ازدواج هایی گزارش شده است؛ چنانکه آمده: عبدالله بن زبیر بن عوام، نخستین کودک متولد شده از مهاجرین، ثمره ازدواج موقت دختر ابی بکر با زبیر دانسته شده است. بسیاری از بزرگان صحابه جواز ازدواج متعه را از زمان پیامبر تا زمان خلیفه دوم گزارش کرده اند (ر.ک. فضل آبادی، ۱۳۹۰: ۷۶-۶۹).

واژه شناسی

"متع" در لغت به معنای بهره مندی حداکثری است. "متاع" هم به آنچه که انسان در زندگی از آن بهره مند می شود، گفته شده است، مانند؛ خانه و هر چیز دیگری مانند آن... (فراهیدی، ۱۴۰۵، ق، ج ۲: ۸۳). اصل معنای "تمتع"، تلذذ و بهره مندی از لذت است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۹۱) واژه استمتاع نیز به معنی طلب تمتع است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۵۷)

"متعه" در اصطلاح عقد ازدواجی است که دارای زمان مشخصی بوده و در قبال عوض معین صورت میگیرد (شیخ مفید، ۴۱۴۱: ۱۹؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ق، ج ۳: ۱۹۵). متعنه در اصطلاح عبارت است از اینکه زنی عاقل و آزاد، خودش را در مقابل مهریه مشخص، برای مدتی به ازدواج مردی در آورد، بدون اینکه مانع نسبی و سببی و موانع دیگر وجود داشته باشد شیخ طوسی نکاح متعه را حلال و جایز دانسته و حقیقت متعه را ازدواج مرد با زنی با مدت مشخص و با مهریه ای تعیین شده معرفی می کند (شیخ طوسی، ۱۴۱۵، ق، ج ۴، ص ۳۴۰) این نکاح عبارت است از ازدواج موقت مرد با زنی، همراه با مهریه معین که در ضمن عقد مشخص شده و با اتمام زمان ازدواج یا بخشیدن مدت آن از سوی مرد، عقد و نکاح بدون طلاق پایان می پذیرد (المتعنه ف ج ۱، ص ۲۹)

فخر رازی نیز در تعریف متعه آورده است: «نکاح متعه عبارت است از اینکه مردی زنی را در مدت معینی و در مقابل عوض و مال معینی به خدمت گرفته و از او بهره ببرد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ق، ج ۵: ۱۵). در برخی کتب لغت، به معنای اصطلاحی "متعه" چنین اشاره شده است؛ "متعه" اسمی است که مصادیقی مانند: متعه نکاح، متعه حج و متعه طلاق دارد. حج تمتع را از این رو به این نام خواندند که حاجی بعد از مدتی که برخی کارها برایش حرام بود، با اتمام عمره تمتع، با بهره بردن از برخی آنها مانند بهره برداری از همسر برای او حلال می شود ابن منظور بدین موضوع اشاره نموده است (ابن منظور، بی تا، ج ۸ ص ۳۲۸) علمای فریقین در تعریف و معنای اصطلاحی متعه با یکدیگر اتفاق ارا دارند

مشروعیت متعه

مهمترین دلیل موافقین با مشروعیت ازدواج موقت آیه ۲۴ سوره نساء است که به آیه استمتاع شناخته می شود. موضع مفسران را در ذیل این آیه میتوان به سه دسته تقسیم نمود؛ الف) مفسرانی که دلالت آیه بر مشروعیت متعه را به صورت دائم پذیرفته اند. (نظر شیعه)

ب) مفسرانی که دلالت آیه بر مشروعیت متعه را به صورت موقت پذیرفته اند. به این معنا که دلالت آیه بر متعه را پذیرفته و بر این باورند که این حلیت مختص به زمانی خاص بوده است. (اهل تسنن)
ج) گروه اندکی از مفسران اهل سنت هستند که دلالت آیه بر ازدواج موقت را نمی پذیرند و مشروعیت آن را مستند به سنت میدانند. (اهل تسنن)

بر این اساس شیعه اعتقاد به مشروعیت دائمی متعه دارد و اهل تسنن اعتقاد مشروعیت موقت متعه دارند که در ذیل بطور مفصل دلایل هر کدام را بررسی می نماییم

۱- ادله مشروعیت متعه

۱-۱) دلایل قرآنی

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَحِلُّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۲۴)/نساء

زنان شوهردار نیز بر شما حرام شده اند، مگر کنیزانی که مالک آنان شده‌اید. [این احکام را] خدا بر شما مقرر کرده است. و جز این زنان [که نام برده شدند]، زنان دیگر بر شما حلالند که [آنان را] با پاکدامنی، نه از راه زنا، با اموال خود طلب کنید. پس هرگاه از آنان بهره بردید، مهرشان را به عنوان فریضه به آنان بدهید. و پس از تعیین مهر، بر شما گناهی نیست [که درباره کم و زیاد کردن یا بخشیدن آن] با هم تراضی کنید؛ همانا خدا دانا و حکیم است. ابتدا نکات آیه را مشخص می کنیم

۱- حرمت بهره‌گیری جنسی از زن شوهردار و ازدواج با وی، هر چند مسلمان نباشد.
حُرِّمَتْ ... وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ

«مُحْصَنَةٌ»، به زن مسلمان، زن عقیف، زن آزاده و زن شوهردار اطلاق می‌شود و مراد از آن در آیه، زن شوهردار است.

قید «مِنَ النِّسَاءِ» برای «الْمُحْصَنَاتُ» قیدی تأکیدی است و شمول آن را نسبت به زن غیر مسلمان افاده می‌کند.

۲- جواز بهره‌گیری جنسی از کنیز شوهردار برای مالک وی
حُرِّمَتْ ... وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

لازم به تذکر است که حکم مذکور دارای شرایطی است که در فقه بیان شده است.

۳- تأیید مالکیت انسان، نسبت به بردگان
مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

۴- حرمت ازدواج با محارم نسبی و سببی و زنان شوهردار و جمع بین دو خواهر، از احکام ثابت و قطعی الهی است.

حُرِّمَتْ ... كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

۵- تأکید خداوند بر ضرورت پایبندی به احکام و مقررات الهی در ازدواج و روابط جنسی
حُرِّمَتْ ... كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

در برداشت یاد شده «كِتَابَ اللَّهِ» مفعول فعل مقدر (الزمو) گرفته شده است؛ یعنی به احکام الهی پایبند باشید.

۶- جواز ازدواج و آمیزش با غیر خواهر زن و محارم نسبی و سببی و زنان شوهردار
حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتِكُمْ ... وَ أَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ

«ذَلِكُمْ» اشاره به تمام مواردی است که در این آیه و آیه پیش بیان شده است.

۷- مقررات ازدواج و بهره‌گیریهای جنسی در اسلام، متفاوت با احکام و مقررات سایر ادیان الهی و أَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ

کلمه «لَكُمْ» می‌تواند اشاره به این معنا باشد که مجموع مقررات بیان شده در این آیه و آیات گذشته، ویژه شماست و برای ادیان گذشته به صورتی دیگر مطرح بوده است.

۸- تعیین مقداری از مال به عنوان مهریه، از شرایط عقد ازدواج و زناشویی

أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ

«بِأَمْوَالِكُمْ»، اشاره به این است که انتخاب همسر برای ازدواج و زناشویی، باید به همراه تعیین مهریه باشد. گفتنی است که مفعول به «أَنْ تَبْتَغُوا» حذف شده و آن، زنان غیر محارم است.

۹- حرمت مصرف مال در مسیر فحشا و بی‌عفتی

أَحِلَّ لَكُمْ ... أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ

«مُحْصِنِينَ»، حال برای فاعل «أَنْ تَبْتَغُوا» است؛ و همان گونه که می‌تواند ابتغاء را مقید به عفت و پاکدامنی کند، مصرف اموال را نیز می‌تواند به آن مقید سازد.

۱۰- لزوم عفت و پاکدامنی برای مردان و حفظ حدود الهی در مسائل جنسی

مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ

«مُحْصِنِينَ»، حال است برای فاعل «ابتغاء». یعنی انتخاب همسر برای ازدواج و زناشویی باید به صورت حلال باشد،

نه به صورت زنا و بی‌عفتی. گفتنی است که «سفاح» به معنای زنا و بی‌عفتی است و «غَيْرَ مُسَافِحِينَ»، تأکید برای محصنین است.

۱۱- مشروعیت ازدواج موقت (متعّه)

فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ

در آیه، پرداخت مهریه، مشروط به استمتاع شده بنابر این «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ» بیان ازدواج موقت (متعّه) است. زیرا پرداخت اجرت و مهریه در عقد دائم منوط به استمتاع و بهره‌گیری جنسی نیست.

۱۲- وجوب تعیین مقدار مهر در ازدواج موقت

فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً ... مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ

«فَرِيضَةً»، به معنای «مفروضه» و حال برای «اجور» می‌باشد.

یعنی: اجرت معین شده.

۱۳- وجوب پرداخت اجرت (مهریه) در مقابل بهره‌گیری جنسی از زنان در ازدواج موقت

فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً

۱۴- تعیین مقدار مهر در ازدواج موقت، شرط صحت عقد

فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً

لزوم تعیین مقدار مهر در عقد، حکایت از مشروطیت صحت عقد به آن مهر دارد.

۱۵- حمایت اسلام از حقوق اقتصادی زنان

أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ ... فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ

۱۶- جواز تغییر مقدار مهر (کم یا زیاد کردن) و یا بخشیدن آن با رضایت طرفین

وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ

۱۷- خداوند، بسیار دانا و کاردان است.

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

۱۸- احکام و قوانین ازدواج و مسائل جنسی برخاسته از علم و حکمت خداوند (هاشمی رفسنجانی و گروهی از

مولفین حوزه علمیه، ۱۳۸۶، تفسیر راهنما)

از جمله اعتقادات امامیه، که اختلافی در میان آن‌ها در مورد آن وجود ندارد (اباحه نکاح متعه می‌باشد. این نکاح به واسطه دو مشخصه تعیین مدت و مهر، از نکاح دائم جدا می‌شود، یعنی شکل آن چنین است که با تعیین مدت و مهریه معین، عقد نکاح بر زن جاری می‌شود.

بررسی دلالت الفاظ آیه بر ازدواج موقت

برای رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب در قدم اول باید به مفاد و الفاظ آیه شریفه بپردازیم و چگونگی دلالت آن بر ازدواج موقت را بررسی کنیم. در آیه شریفه آنچه که مورد بحث قرار گرفته و نظرگاه مفسران است، عبارت «... فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً...» است به همین جهت بررسی مفاد آیه را از این قسمت آغاز می‌کنیم.

واژه استمتاع و دلالت بر نوع خاصی از ازدواج

همانگونه که در بررسی واژگان آمد، واژه "استمتاع" به بهره‌مندی و لذت اطلاق شده و مصداقی مانند ازدواج موقت می‌تواند داشته باشد و اسم مصدرش نیز متعه است. "ما" نیز موصوله است؛ پس آیه به این معناست که به خاطر بهره‌هایی که از زنان می‌بیرید از قبیل مقاربت، بوسیدن و نگاه کردن مزد ایشان را بدهید (جوهری، ۱۳۶۸، ج ۳: ۱۲۸۲). اما در بین مفسران دو دیدگاه در مورد این واژه وجود دارد؛

الف) حقیقت شرعی بودن واژه "استمتاع" یا "متعه" (مورد قبل شیعه)

واژه "استمتاع" یا "متعه" در واقع یک حقیقت شرعی است و بر نوع خاصی از ازدواج «موقت/متعه» دلالت دارد. به این معنا که معنای لغوی آن مراد نیست و ذهن مخاطب با شنیدن این واژه به ازدواج موقت منحصر می‌شود. علامه طباطبایی بر این باور است که نکاح بودن متعه و زوجه بودن زن متعه شده در عرف قرآن و زبان مسلمانان صدر اسلام از صحابه و تابعین جای هیچ‌گونه تردیدی نیست و اگر بعد از عصر اول به تدریج لفظ نکاح و تزویج - متعین در نکاح دائم شده، به خاطر نهمی عمر از متعه و منسوخ شدن این سنت در بین مردم بوده (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۴۸۲).

ب) معنای لغوی "استمتاع" (مورد قبول اهل تسنن)

معنای لغوی و اولیه واژه "استمتاع" به بهررداری و انتفاع است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۱۳۰؛ جصاص، ۵۰۴۱، ج ۳: ۹۷) و مراد از آن ازدواج دائم است (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۰۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۱۲۹). برخی نیز آن را تأکیدی بر پرداخت مهریه میدانند به این معنا که ذکر استمتاع در آیه برای بیان حکم استحقاق تمام مهریه برای مدخول بهاست (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۳: ۹۸).

رد نظر اهل تسنن

در فرض اینکه معنای لغوی این واژه را در آیه بپذیریم، مراد مطلق، بهره‌مندی اعم از ازدواج دائم و موقت خواهد بود که لازمه آن عدم پرداخت مهریه در صورت عدم استمتاع خواهد بود؛ این امر در ازدواج دائم صحیح نیست و پرداختن مهر مشروط به بهره‌گیری از زنان نیست، بلکه تمام مهر بنا بر مشهور یا حداقل نیمی از مهر به مجرد عقد

ازدواج دائم، واجب می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۶۳۳). با این توضیحات نظر کسانی که قائل به معنای لغوی استمتاع، یعنی تلذذ هستند رد خواهد شد. زیرا ایشان بر این باورند که اصل در آیات عدم تغییر معنا است، یعنی نباید معنای اصلی را تغییر دهیم - که ما در جواب میگوییم شارع این لفظ را در این معنا به کار گرفته است و اصل در این واژه حقیقت شرعی است.

از قواعد اصولی نیز استفاده میشود که اگر در مورد واژه هایی از قرآن دو احتمال، معنای لغوی و اصطلاحی شرعی، مطرح باشد باید آن را بر معنای شرعی آن حمل کرد و مسلمانان بر همین اساس واژگان دیگری مانند "صلاة"، "زکات"، "حج" و ... را بر معنای شرعی حمل نمودند (افضلابادی، ۱۳۹۰، به نقل از فاضل لنکرانی: ۴۴).

بطور کلی دلایلی که شیعه، کلمه متعه (استمتاع در این آیه) را به معنای ازدواج موقت گرفته است عبارت است از: اولاً- کلمه متعه که در «استمتعتم» از آن گرفته شده است در اسلام به معنای ازدواج موقت است و به اصطلاح در این باره حقیقت شرعیه می باشد.

ثانیا - اگر کلمه متعه به معنای لغوی به کار گرفته شود نتیجه معنای آیه چنین می شود اگر از زنان دائم بهره گرفتید مهر آنان را بپردازید در حالی که پرداختن مهر مشروط به بهره گیری از زنان نیست بلکه تمام مهر بنا بر مشهور یا حداقل نصف از مهر به مجرد عقد دائم واجب می شود.

ثالثاً - بزرگان صحابه و تابعین و گروه زیادی از مفسران اهل سنت از این آیه، حکم ازدواج موقت را گرفته اند جلال الدین سیوطی در کتاب الدر المنثور حدود ۳۱ روایت از اعلام اهل سنت ذکر نموده و در کتاب صحیح مسلم در بخش نکاح المتعه ۲۴ روایت آمده است و علامه امینی در کتاب الغدير آمار روایات اهل سنت را حدوداً ۴۰ روایت می داند رابعاً - اهل بیت (ع) متفقاً این آیه را به همین معنی تفسیر کرده اند از امام صادق (ع) نقل شده حکم متعه در قرآن نازل شده است و سنت پیامبر (ص) بر طبق آن جاری شده است آیات دیگر قرآن (۳۲/اعراف) (۱۰/ممتحنه) (۳-۵/تحریم) (۷-۵/مومنون) لاتحرموا طيبات... جواز مشروعیت متع است (- دایکندی، ۱۳۸۶)

دلالت کلمه "اجر" بر مهریه ازدواج موقت

در مورد این واژه هم دو نظر وجود دارد؛

الف) اجرت غیر از مهر است و این واژه مختص به ازدواج موقت است: برخی از مفسران ذیل آیه، معنای

لغوی "اجرت" را ذکر کرده و گفته اند کلمه "اجورهن" که بر استمتاع ترتب یافته است، بر ازدواج موقت دلالت دارد زیرا در نکاح دائم اجری نیست و معمولاً واژه مهر و یا صداق استعمال میگردد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج: ۴). البته این نظر را برخی از مفسران حتی مفسران شیعی رد کرده اند (طوسی، بیتا، ج ۳: ۱۶۶) زیرا، کلمه "اجور" بر مهریه در ازدواج دائم نیز اطلاق شده است (احزاب / ۵۰: ممتحنه / ۱۰: نساء/ ۲۵) (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج: ۳۱۶: ۱۸)

ب) اجرت همان مهریه در ازدواج دائم است:

مراد از "اجور" در آیه، مهریه در عقد دائم است. چنانکه در آیات دیگر آمده است (جصاص، ۱۴۰۵، ج: ۱۰: ۴۰) در ذیل این دیدگاه، برخی چنین پاسخ داده اند که اگر در برخی از آیات این واژه در ازدواج دائم استفاده شده هیچ دلیلی نداریم که در آیه ۴۲ نساء هم در همان معنا استفاده شده باشد (افضل آبادی به نقل از: فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰: ۲۰).

قرائت دیگر: «الی اجل مسمی»

بر اساس قرائت دیگری آیه شریفه چنین قرائت می شود «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَىٰ اجْلِ مَسْمِي» بر اساس این قرائت، قید «اجل مسمی» اضافه شده است که به معنای نکاح موقت می باشد، چون در نکاح دائم ذکر مدت معنا ندارد (طبرسی، ۱۴۶۰: ج ۳، ص ۵۲)

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ

به استناد اقوال مفسران و روایات این عبارت از آیه به توافق زوجین برای تمديد مهریه و مدت زمان در ازدواج موقت دلالت دارد

(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۴۶) برخی از مفسران توافق را در مورد مهریه می دانند (مراغی، بی تا، ج ۵: ۹)

تفرع اجر و مهریه بر استمتاع

در این آیه شریفه پرداخت اجر و مهریه متفرع بر "استمتاع" بیان شده است: «فَمَ اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَأَتْوَهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» به این معنا که در ازدواج موقت، بعد از عقد و به شرط استمتاع، مالک مهریه میشود و باید تمام اجرت به وی پرداخته شود. برخلاف ازدواج دائم، که زن به مجرد عقد که حتی بدون ملاقات زوجین و بدون شرط استمتاع مالک مهریه میشود (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۵: ۱۰۳). توضیح اینکه "استمتاع" در آیه مورد بحث اعم از دخول و غیر دخول است. همان طور که جوهری این واژه را این گونه معنا کرد که منحصر در رابطه خاص زناشویی نیست. بنابراین، در ازدواج موقت بعد از عقد اگر یکی از این امور محقق شود کل مهریه بر مرد واجب میشود و در فرض عدم تحقق هیچ مهر و اجرتی به زن تعلق نمیگیرد. از طرفی اگر مراد از این اجر مهریه ازدواج دائم باشد، مستلزم تکرار است که مخالف با فصاحت و بلاغت است (افضل آبادی به نقل از: لنگرانی، ۱۳۹۰: ۱۸). در آیه ۴ همین سوره به پرداخت مهریه در ازدواج دائم تأکید شده است.

همانگونه که در پیشینه ازدواج موقت اشاره نمودیم، قبل از اسلام نیز ازدواج موقت وجود داشته و از آن با واژه "متعّه" یاد میشده است. در توضیح این نوع ازدواج گفته شده است که ازدواج مدت دار بوده است که با پایان یافتن زمان مقرر زوجین از هم فاصله گرفته و جدا میشدند (جوادعلی، ۱۳۸۰: ق، ج ۵: ۵۳۶).

بعلاوه قول خدای تعالی: «فَانكحوا ما طاب لکم من النساء»^۱ و این نکاح از آن چیزهایی است که دلبخواه و مورد پسند او می باشد، هم چنین قول دیگر خدای تعالی: «و احل لکم ما وراء ذلکم ان تبتغو باموالکم»^۲ و این نکاح از آن چیزهایی است که با مال خود آن را طلب کرده است، هم چنین این آیه: «فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن فريضة»^۳ لفظ استمتاع هرگاه مطلق آید، جز نکاح موقت «متعّه» را معنی نمی دهد (طریحی، بی تا، ج ۴، ص ۳۹۰)، در قرائت ابن مسعود نیز (از این آیه) آمده «فما استمتعتم به منهن الی اجل مسمی فاتوهن اجورهن» که این آیه با اضافه داشتن «الی اجل مسمی» نص بر متعه می باشد

خلاصه ادله قرآنی قائلین به اباحه متعه

از جمله دلایلی که قائلین به اباحه متعه به آن تمسک کرده اند آیه «فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن»^۱ می باشد. شکل استدلال به این صورت می باشد که آیه اولاً، استمتاع را ذکر کرده و نکاح را ذکر نکرده است، دوم این که امر به دادن اجور کرده و آن چه که به زن داده می شود را اجر نامیده و متعه، عقد اجاره بر منفعت بضع می باشد و سوم این که خدای تعالی بر دادن اجر بعد از استمتاع امر فرموده است و این در عقد اجاره و متعه جاری می

^۱ نساء ۳

^۲ نساء ۲۴

^۳ نساء ۲۴

باشد و اما مهر، در نکاح به صرف عقد واجب می شود و اول از زوج، مهر گرفته می شود، سپس او امکان استمتاع را دارد. پس آیه بر جواز عقد متعه دلالت دارد، علاوه بر این گفته اند که عبدالله بن مسعود آیه را چنین تلاوت کرده است: «فما استمتعتم به منهن الی اجل مسمی» که صریح در متعه است و هم چنین گفته اند: بر اباحه متعه در مدتی از زمان اتفاق و اجماع قطعی وجود دارد، اما در تحریم آن و اثبات حذر، اختلاف وجود دارد، لذا ما بر آن چه که اتفاق بر آن حاصل است ثابت هستیم و به واسطه اختلاف در تحریم از آن دست بر نمی داریم (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۷۸ و سويد، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷۵) (در قسمت های قبل، تفسیر این آیه، بطور مبسوط بیان شد)

۱-۲) دلایل روایی

۱-۲-۱) اباحه متعه وعدم نسخ آن

امام باقر (ع) فرمودند: رسول خدا (ص) نکاح متعه را حلال فرمود و تا لحظه رحلتش آن را حرام نکرد (وسائل الشیعه، ج ۲۱ ص ۴۳۹)

روایت عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) «ان الله تبارک وتعالی حرم علی شیعتنا المسکر من کل شراب و عوضهم من ذلک المتعه (عاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۴۳۸) (خداوند تبارک وتعالی هرگونه نوشیدنی مست کننده را بر پیروان ما حرام کرد و به جای آن متعه را بر آنان حلال کرد) حتی در بعضی روایات، مسئله متعه با زنان معروف به فجور مطرح شده: امام صادق (ع) در جواب این سوال فرموده اند: اگر پرچمی به عنوان فجور برافراشته نکرده است ۰ کنایه از این که به نهایت فسق و فجور نرسیده باشد) در این صورت متعه با آنان جایز است (همان، ص ۴۵۵) این حکم برای مردم، نهایت تسهیل است تا با مشروعیت آن احدی جز افراد شقی مرتکب زنا نشوند چنانکه امام صادق (ع) به نقل از امام علی (ع) می فرمایند «لولا ما سبقنی به بنی الخطاب، ما زنا الا شقی (شقی)» (همان، ص ۴۳۶)

۱-۲-۲) استحباب متعه

احادیثی که نکاح متعه را ثواب و موجب غفران و رحمت الهی می دانند. در بحث متعه این سوال مطرح است که آیا متعه غیر از حکم اباحه مستحب هم است؟ فقها در این مورد کلمه مشروعیت را استفاده کرده اند و مشروعیت اعم از اباحه و استحباب است ولی در روایات به عنوان حکم ثانوی یعنی به قصد احیای سنت متروکه اسلام به آن اشاره شده که مستحب موکد می باشد ولی نباید اصرار عملی از جانب مومنین بر آن باشد که نوعی شهوترانی محسوب گردد زیرا در این صورت از هدف اصلی خارج شده و موجب بدبینی نسبت به دستورات اسلامی خواهد شد و در روایات استحباب متعه آمده (اگر این عمل به قصد رضایت خداوند و مخالفت با منکرین این حکم را داشته باشد در مقابل هر کلمه ای که نزد همسرش ابراز می کند پاداشی برای او نوشته می شود

صالح بن عقبه از پدرش نقل می کند که از امام باقر (ع) پرسیدم کآیا برای کسی که متعه می کند ثواب واجری است؟ امام (ع) فرمودند: اگر نکاح به خاطر خدا و اجرای سنت رسول خدا (ص) باشد در مقابل هر حرفی که می زند، حسنه ای به آن تعلق می گیرد و در صورت انجام ازدواج گناهش بخشوده می شود، زمانی که غسل می کند، به تعداد مویی که آب از روی آن می گذرد، گناهانش مشمول مغفرت می گردد گفتم: مویش؟ فرمود آری به عدد مویش. (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۴۵۲)

البته در بعضی موارد همانطور که نکاح دائم به عنوان حکم ثانوی واجب می شود مانند ترس از افتادن در ورطه گناه، متعه نیز برای کسانی که قدرت ازدواج دائم را ندارند واجب خواهد شد بنابراین استحباب متعه به عنوان حکم ثانوی

، برای احیای سنت و مخالفت با حکم عمر (عنوان سیاسی) و پیشگیری از فعل حرام (عنوان اخلاقی مشخصی) می باشد برای افرادی که واقعا نیازمند نکاح هستند نه کسانی که این کار را روی تنوع طلبی و هرزگی انجام می دهند

۳-۲-۱) کراهت متعه

در بعضی روایات، اشاره به کراهت متعه شده و اصحاب از این امر مباح، نهی شده اند فلسفه و علت کراهت از جهت موردی یا مطلق بودن، باید بررسی شود.

- عن علی بن یقظین. قال: سالت ابالحسن (ع) عن المتعه «ما انت وذاک. قد اغناک الله عنها ...» (عاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۴۴۹) علی بن یقظین می گوید در مورد وظیفه خودم در باره متعه از امام پرسیدم و امام فرمودند: تورا به متعه چه کار؟ خداوند تو را از این عمل بی نیاز کرده است ... (از تعلیل امام در این روایت «قد اغناک الله عنها» استفاده می شود متعه در صورت بی نیازی کراهت دارد چون این عبارت در بیان علت حکم منع از متعه بیان شده که همان بی نیازی است

- عن محمد بن الحسن بن شمون، قال: «کتب أبو الحسن (علیه السلام) إلى بعض موالیه: لا تلحوا علی المتعة إنما علیکم إقامة السنه، فلا تشتغلوا بها عن فرشکم وحرائرکم، فیکفرن، ویتبرین، ویدعین علی الأمر بذلک، ویلعنونا» (همان).

موارد و مصالحی که در این روایت موجب حکم به کراهت شده عبارتند از:

الف) افراد مورد خطاب، به دلیل نزدیکی با امام معصوم، از الگوهای جامعه بودند (موالی) به گونه ای که به دلیل نزدیکی، بدبینی خانواده و جامعه به آنان، موجب بدبینی نسبت به اسلام و امامان معصوم می شد.

ب) اصرار بر عدم متعه (لاتلحوا)، یعنی بر این اصرار نداشته باشید، به نحوی که عرفا نشان دهنده شهوترانی باشد.

ج) با انجام ازدواج موقت نسبت به زنان دائمی خود بی اعتنا شوند. فلا تشتغلوا بها عن فرشکم و حرائرکم، در این صورت به دلیل وارد شدن آسیب به نهاد خانواده حتی به عنوان ثانوی ممکن است، حکم به حرمت شود.

با توجه به نکات فوق، حکومت اسلامی می تواند به عنوان حکم ثانوی، شرایط و محدودیت هایی را برای ازدواج موقت وضع نماید. شرایطی که بتواند حقوق زنان و فرزندان که قربانی سوء استفاده از این حکم می شوند را تضمین کند.

در بعضی روایات هم نهی امام (ع)، به صورت موردی بوده است مثلا به دلیل مسائل سیاسی و ارتباط نزدیک برخی از یاران امام صادق (ع) با ایشان فاصحاب را از ازدواج موقت نهی می کردند تا مبادا مخالفین چنین تبلیغ کنند که یاران نزدیک امام صادق (ع) افرادی هوسران هستند. عمار از امام صادق (ع) نقل می کند که آن حضرت به من و سلیمان بن خالد امر فرمود تا زمانی که در مدینه هستید متعه را بر شما حرام می کنم، زیرا زیاد با من معاشرت دارید و خوف آن دارم که مورد سرزنش قرار گیرید و بگویند که یاران ابو جعفر اینگونه هستند.

شهید مطهری در این رابطه می فرماید: «به نظر بنده آنجا که آئمه اطهار مردان زن دار را از این کار منع کرده اند به حکمت اولی این قانون است. خواسته اند بگویند این قانون برای مردانی که احتیاج ندارند، وضع نشده است همچنانکه امام کاظم (ع) به علی بن یقظین فرمود ...، آنجا که عموم افراد، را ترغیب و تشویق کرده اند به خاطر حکمت ثانوی آن یعنی «احیای سنت متروکه» بوده است زیرا تنها ترغیب و تشویق نیازمندان برای احیای سنت متروکه کافی نبوده است» (مطهری، ۱۳۵۷: ص ۵۰)

۳-۱) اجماع اهل بیت (ع)

اهل بیت (ع) که خود به اسرار وحی از همه آگاه تر بوده اند و خداوند متعال آنان را از هر گونه زشتی .پلیدی و اشتباه منزّه ساخته است به اتفاق آیه ۲۴ سوره نساء را به ازدواج موقت تفسیر کرده اند و در عین حال ، مشروعیت این ازدواج را از نظر ائمه معصومین (ع) احیای سنت پیامبر اکرم(ص) دانسته شده و تا قیامت ، مباح و حلال اعلام گردیده است (وسایل الشیعه ، ج ۱۴، ص ۴۳۷)

روایات شیعه ، در باره متعه ، تنها در کتاب وسایل الشیعه بیش از ۲۰۰ روایت و در کتب فروع کافی و مستدرک الوسایل هر یک ۹۰ روایت و در الانوار روی هم رفته ، نزدیک ۱۰۰ روایت و در من لایحضر الفقیه بیش از ۳۰ روایت و در تهذیب الاحکام ۸۹ روایت وجود دارد که همگی آن ها صراحت در مشروعیت آن دارند (دایکندی ، ۱۳۸۶)

۴-۱) اجماع فقهاء شیعه.

شیخ طوسی ، حر عاملی ، سید مرتضی ، فاضل مقداد و مرحوم شهید ثانی در حدائق الناضره ، ادعای اجماع بر اباحه متعه را دارند و حر عاملی ، اباحه متعه را از ضروریات مذهب شیعه می داند (شریف پور ؛ دهقان منگ آبادی ، ۱۳۹۴ ، ص ۱۳-۵۵)

۵-۱) حکم عقل

سید مرتضی علاوه بر ادعای اجماع بر اباحه متعه ، می گوید: با ادله صحیحه ثابت شده است که هر منفعتی که ضروری در آن نیست ، به ضرورت عقل مباح می باشد و این صفت نکاح متعه است ، لذا اباحه اش با اصل عقل ، واجب می باشد (شریف پور ؛ دهقان منگ آبادی ، ۱۳۹۴ ، ص ۱۳-۵۵)

۶-۱) اصل اباحه

خلافی نیست که متعه ، مباح بوده است (قشیری نیشابوری ، بی تا ، ج ۲ ، ص ۱۰۲۱ ؛ ابن حزم اندلسی ، ۱۳۵۲ ق ، ج ۹ ، ص ۵۱۹ ؛ جصاص ، ۱۴۰۵ ق ، ج ۲ ، ص ۲۰۳ ؛ سرخسی ، بی تا ، ج ۶ ، ص ۴۲۵ ؛ ابن قدامه مقدسی ، ۱۴۰۵ ق ، ج ۷ ، ص ۵۷۱ ؛ عسقلانی ، بی تا ، ج ۱۴ ، ص ۳۶۶ ؛ شوکانی ، بی تا ، ج ۱۰ ، ص ۱۱-۱۲ ؛ سغدی ، ۱۴۱۷ ق ، ص ۱۷۸ و بابرته ، ۱۱۶۲ م ، ج ۴ ، ص ۳۹۱) پس هر کس ادعا می کند که اباحه ، نسخ گردیده است باید بر آن دلیل اقامه کند .

بنابراین ، اصل ، مباح بودن متعه است و منع آن احتیاج به دلیل دارد..

علامه امینی ، متجاوز از بیست شخصیت صحابی و تابعی را که طرفدار نظر امامیه بوده و مشروعیت متعه را قبول

دارند از کتب اعلام اهل تسنن ، استخراج و با آدرس دقیق معرفی نموده است مانند ۱- عمران بن حصین ۲-

جابر بن عبدالله انصاری ۳- عبدالله بن مسعود ۴- عبدالله بن عمر ۵- معاویه بن سفیان ۶- عمرو بن حدیث ۷-

ابی بن کعب ۸- ابیعه بن امیه ۹- ابوسعید خدری ۱۰- عطای مکی ۱۱- مجاهد ۱۲- سدی و... و مالک بن انس

موسس مذهب مالکی به نقل از فخرالدین رفیعی و ظاهر کلام احمد بن حنبل در جلد ۴ مسند ص ۴۳۶ مشروعیت

متعه را پذیرفته اند (دایکندی ، ۱۳۸۶)

۷-۱) اعتراف عمر

دلیل دیگر قول عمر می باشد مبنی بر این که در زمان رسول خدا(ص) دو نوع متعه وجود داشته است، من از آن ها نهی کرده و بر ارتکاب آن ها مجازات می کنم: الف) ازدواج متعه زنان (متعه نساء) و ب) حج تمتع (متعه حج) (جصاص، 1405ق، ج 2، ص 203؛ طحاوی، 1399ق، ج 3، ص 136؛ بیهقی، بی تا، ج 7، ص 206 و ابن قدامه مقدسی، 1405ق، ج 7، ص 571). گفته عمر مبنی بر این که دو متعه در زمان رسول خدا (ص) بوده اند، خبر دادن وی از مباح بودن آن ها در زمان رسول خدا(ص) می باشد و آن چه در زمان آن حضرت انجام می شد، شرع و دین ایشان بوده است، اما آن چه فقها از خبرها در تحریم آن نقل کرده اند، همه شان خبر واحد هستند. علاوه بر این در آن روایات، اضطراب وجود دارد (یعنی سند معتبر ندارند)

زیرا در روایت ابن الحنفیه از پدر خود، آمده است که پیامبر (ص)، متعه را در روز خیبر حرام کرد، (قشیری نیشابوری، بی تا، ص ۱۰۲۷؛ طحاوی، ۱۳۹۹ق، ج ۳، ص ۲۵) هم چنین روایتی که ربیع بن سبره از پدر خود نقل می کند، مبنی براینکه، در سال فتح مکه (قرن ۸ هجری) با رسول الله در مکه بودیم که ایشان ابتدا اذن در متعه کردن زنان دادند، و من زنی رامتعه نمودم سپس نزد پیامبر آمدم ایشان فرمودند: شما را در متعه کردن زنان اذن دادم و خداوند متعال آن را حرام کرده است تا روز قیامت،(قشیری النیشابوری، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۲۳؛ و سرخسی، بی تا، ج ۶، ص ۴۲۶) این اضطراب (آن روایات) می باشد، زیرا بین آن دو وقت (روز خیبر و روز فتح مکه) فرب و نیرنگ حدود سه سال است، اگر گویند روز خیبر آن را حرام کرد و تحریم آن را در مکه یادآوری نمود و این امر مانعی ندارد، گوئیم این سخن باطل است، زیرا ابن سبره روایت کرده است که پیامبر (ص) در مکه به آن اذن داد. اگر گویند پیامبر (ص) آن را در روز خیبر حرام کرد سپس در مکه آن را حلال نمود، بعدا دوباره آن را حرام کرد و این در شرع آن حضرت جایز است که چیزی را حلال کند سپس آن را حرام نماید، در پاسخ این سخن گفته اند: این سخن با اجماع ساقط می گردد، زیرا هیچ کس نگفته است که پیامبر (ص) متعه را دو بار حلال و دو بار حرام نمود که بین آن ها دوبار فسخ و دو بار حلال کردن صورت گرفت، پس اجماع، این تأویل را ساقط می کند

۲) ادله حرمت متعه

اما نظر اهل سنت از مهم ترین اصول و قواعد شرعی این است که بنا بر اصل، ازدواج در اسلام، مؤبد و دائم است، لذا خدا و رسولش(ص)، استحلال فرج محرم را حرام کرده اند، مگر با عهد و میثاقی غلیظ. علمای اهل سنت برای حرمت متعه نظرات متفاوتی دارند، آن ها از جمله ابوحنیفه اجماع دارند بر این که نکاح متعه، باطل و حرام شرعی است و از نظر شرع، احکام و آثار نکاح بر آن بار نمی شود و بین فقها در این مورد اختلافی وجود ندارد، البته هیچ اختلافی نیست که متعه در ابتدا حلال بوده است پیامبر(ص) آن را برای مدتی حلال فرمودند، اما بعد از آن نهی فرمودند، یعنی اباحه نسخ شده است(جزیری، بی تا، ج ۴، ص ۱۳؛ دمشقی العثماني الشافعی، بی تا، ص ۱۹۸؛ بابرته، ۱۶۲ق، ج ۴، ص ۳۹۰؛ قرطبی اندلسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۴؛ سغدی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷۸؛ ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۵۷۱؛ نووی، ۱۳۹۲ق، ج ۹، ص ۱۸۰؛ ابن حزم اندلسی، ۱۳۵۲ق، ج ۹، ص ۵۱۹؛ سرخسی، بی تا، ج ۶، ص ۴۲۶؛ غنیمی الدمشقی الميدانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۲؛ محلی الشافعی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۰۵؛ سوید، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷۵؛ عینی الحنفی، بی تا، ج ۹، ص ۲۷۷؛ یوسف زرار، ۱۴۲۰ق، ص ۱۶۹؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۰۳؛ ابن حجر، بی تا، ج ۱۴، ص ۳۶۶؛ شوکانی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۱-۱۲؛ زبعلی، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۲۸۹؛ الحنفی الحصفی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۵۶ و المرغینانی، بی تا، ج ۱، ص ۵۷). آن ها بر این باورند که اصل مشروعیت و اباحه نکاح متعه

اینگونه بوده است که مسلمانان در صدر اسلام اندک بودند و این امر اقتضا می کرد که همیشه مراقب عملکرد دشمنان باشند، لذا نمی توانستند از عهده تکالیف زوجیت و تربیت فرزند برآیند خصوصاً که وضعیت مالی آن ها نیز تا مدت زمان طولانی بد بود، لذا با توجه به این طبیعت بشری و شرایط مادی آن ها، واجب است که بر این حالت، تشریح موقتی بیاید تا این سختی را از مسلمانان دفع کند، و آن تشریح موقت، همان نکاح متعه یا موقت است، پس نکاح متعه، حکم عرفی موقت، به خاطر ضرورت جنگ می باشد، زیرا سپاه اسلام متشکل از جوانان بدون همسر بود که توانایی ازدواج دائم را نداشتند و از طرف دیگر توان مقابله با این خصوصیت طبیعی بشری را نیز نداشتند و معقول هم نبود که از آن ها، مقابله با شهوات شان را با روزه داری درخواست کرد، زیرا وارد آوردن این فشار بر آن ها، علاوه بر فشار جنگ که روی آن ها وجود داشت صحیح نبود، روایت مسلم از سیره بر آن دلالت دارد. او می گوید: رسول خدا (ص) در سال فتح مکه زمانی که داخل مکه شدیم، ما را به متعه امر کرد، اما از مکه خارج نشدیم تا این که ما را از آن نهی فرمود. این روایت صریح است در این که متعه، حکم موقتی بوده که ضرورت جنگ، آن را اقتضا داشته است، هم چنین روایت ابن ماجه از رسول خدا (ص) که فرموده اند: ای مردم، من به شما برای استمتاع اذن دادم، اما آگاه باشید که خداوند آن را تا روز قیامت حرام کرد (جزیری، بی تا، ج ۴، ص ۱۳ و سوید، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷۶) ۱- عده ای از مفسرانی مثل: طبری، زمخشری، ابن جوزی، آلوسی و ابن عاشور معتقدند ایه ۲۴/نساء دلالتی بر متعه ندارد (شریف پور؛ دهقان منگ آبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۳-۵۵) قرطبی اعتقاد دارد حلیت متعه بر اساس سنت بوده و می نویسد احتمال دارد که عادت پیامبر این گونه بوده که در جنگها حلال و سپس حرام می کرده است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۱۳۰)

۲- فخررازی در ذیل آیه استمتاع به دو قول ازدواج دائم و موقت اشاره نموده و قول مشهور را ازدواج دائم می داند (رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰: ۴۱)

۳- البته گروهی، مشروعیت متعه را به طور کلی زیر سوال بردند و آن را یک امر جاهلی می دانند، از جمله کسانی که به این دیدگاه معتقد است موسی جارالله فقیه ومفتی اهل تسنن است که متعه را امری تاریخی می داند و نه حکم شرعی. وی بر این باور است که خداوند در قرآن در مورد متعه چیزی نازل نکرده است، پس نسخی هم به دنبال نداشته است و شیعه به اعتبار روایات صادقین (علیهما السلام) این حکم را کرده اند که این روایات هم جعلی و ساختگی اند (جارالله، ۱۹۴۹م: ۱۶۶-۱۲۱) این گروه در واقع کسانی هستند که استمتاع را به معنای مطلق لذت بردن تفسیر کرده اند. ظاهراً این گروه حلیت متعه در زمان پیامبر را مستند به قول پیامبر (ص) میدانند؛ مانند این روایت که به نقل از ابن مسعود آمده است که گفت: ما با رسول خدا (ص) در جنگ بودیم و زنان ما با ما نبودند به آن حضرت عرضه داشتیم آیا میتوانیم خود را خصی = [اخته] کنیم؟ آنحضرت در پاسخ ما را از این عمل نهی فرمود و به ما اجازه داد با زنان ازدواج موقت کنیم در ازاء یک تکه لباس. (بخاری، ۴۲۲، ج ۷: ۵-۴) علامه امینی در پاسخ به جارالله، منابع اهل سنت که آیه ۲۴/نساء را در باره متعه می دانند آورده است: ۱- صحیح مسلم؛ ۲- صحیح بخاری؛ ۳- مسند احمد، ج ۴؛ ۴- تفسیر طبری، ج ۵، ص ۹ از قول ابن عباس و...؛ ۵- احکام القرآن جصاص، ج ۲، ص ۱۴۶؛ ۶- سنن بیهقی، ج ۱، ص ۴۲۳؛ ۸- تفسیر نبوی، ج ۱، ص ۴۳۳؛ ۹- تفسیر زمخشری، ج ۱، ص ۴۸۹؛ ۱۰- احکام القرآن ج ۱؛ ۱۱- تفسیر قرطبی: فتوا و آراء بیشتر مسلمانان این است که ایه ۲۴/نساء در باره متعه است؛ ۱۲- تفسیر رازی ج ۱۰، ص ۴۰؛ ۱۳- شرح مسلم، نووی از ابن مسلم نقل می کند؛ ۱۴- تفسیر الخازن؛ ۱۵- تفسیر البحر المحیط؛ ۱۶- تفسیر القرآن الکریم؛ ۱۷- الدر المنثور (امینی، ج ۳، ص ۳۳۰)

۴- گروهی از مفسران بر این باورند که هرچند این آیه بر ازدواج موقت دلالت دارد اما این حکم موقت و محدود به زمانی بوده است و بعد با آیات و یا روایات نسخ شده است؛ مقاتل بن سلیمان، مفسر تابعی، دلالت آیه بر متعه را بشرایط خاص آن می پذیرد (مقاتل بن سلیمان، ۴۲۳ق، ج ۱: ۳۶۷) شوکانی دلالت آیه را بر نکاح موقت پذیرفته که در صدر اسلام مباح بوده سپس توسط آیات و روایات نسخ شده است. (شوکانی ۱۴۴۱۴ق، ج ۵: ۱۸۱)

۲-۱) مشروعیت محدود ازدواج موقت (ادعای نسخ حکم متعه)

اهل تسنن اعتقاد دارند که موجبات زیادی از سنت، کتاب، عقل و اجماع بر تحریم متعه و نسخ اباحه آن وارد شده است:

۱-۱-۲) نسخ به آیات

کسانی که مدعی نسخ به وسیله قرآن میباشند، معمولاً به این آیات استناد می نمایند:

الف) آیه طلاق^۴

به این تعبیر که در ازدواج باید طلاق وجود داشته باشد در حالی که در ازدواج موقت، طلاق وجود ندارد و با سرآمد مدت زوجین از یک دیگر جدا می شوند. (از ابن عباس نقل شده که آیه استمتاع با آیه طلاق نسخ شده است)

ب) آیه میراث^۵

با استدلال به این آیه گفته شده است که از آنجایی که در متعه و ازدواج موقت بین زن و مرد ارث وجود ندارد، پس زوجیت صدق نمیکند؛ پس ازدواج موقت نمیتواند مشروع باشد.

ج) آیات سوره مومنون^۶

به عبارتی خداوند ازدواج را محصور در زوجیت و ملک یمین قرار داد و از غیر آن نهی کرد و متعه نه زوجیت است و نه ملک یمین، پس حلیت آن ساقط می شود.

د) آیات سوره معارج^۷

دلیل بر نسخ از قرآن کریم، قول خدای تعالی است: «والذین هم لفروجهم حفظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمنهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون» در این آیه اباحه وطی را به همین دو وجه (زوجه و ملک یمین) محدود کرده و از غیر آن برحذر داشته و متعه خارج از این دو صورت است پس حرام می باشد. متعه، نکاح نیست و هنگامی که متعه، خارج از نکاح یا ملک یمین باشد، پس حرام است، به تحریم آن توسط خداوند در آیه «فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون» حال که زن در متعه، نه زوجه است و نه ملک یمین، پس بر تحریم باقی می ماند

۵- آیه نکاح^۸

بنابر ادعای مدعیان نسخ نکاح متعه، آیه نکاح دائم، آیه نکاح موقت را نسخ کرده، و در نکاح دائم شرایط و ضوابط خاصی وجود دارد که در نکاح موقت به چشم نمی خورد. قول خدای تعالی نیز به آن اشاره دارد: «ولیستعفف الذین

^۴ آیه ۱ / طلاق

^۵ آیه ۱۲ / نساء

^۶ آیات ۵ و ۶ / مومنون

^۷ ۲۹ - ۳۱ / معارج

^۸ آیه ۳۲ / نور

لا یجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله»^۹ اگر متعه جایز بود، امر به استعفاف در این حالت (نیافتن همسر) نمی کرد (جصاص، 1405ق، ج 4، ص 278)

بررسی ورد دلایل مذکور

در آیه سوره طلاق خداوند خواسته تا طلاق را بیان نماید نه مطلق جدایی بین زن و شوهر را. زیرا اگر هدف بیان مطلق جدایی بود باید شامل "ملک یمین" هم بشود و آن را نیز نسخ کند در صورتی که تا کنون چنین چیزی نگفته و کسی آن را زنا نشمرده است.

پاسخ ایت الله خویی: اولاً: ادعای نسبت داده شده به ابن عباس دروغ است ثانیاً: این آیه بر مساوی بودن عده زنان دلالت ندارد ثالثاً: این آیه به موارد طلاق متعرض نشده است تا نبودن طلاق در متعه، دلیل نسخ آن باشد.

(خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۲۷)

در مورد آیه ارث باید بگوییم که نه زوجیت مستلزم ارث است و نه ارث مستلزم زوجیت. چنانکه اگر زنی کافر یا قاتل همسر خویش باشد، ارث نمیبرد ولی هم چنان زوجیت باقی است. عدم ارث در ازدواج موقت مسئله ای است که در صدر اسلام مطرح بوده است.^{۱۰} (قرطبی ۱۳۶۴ ه ش، ج ۲: ۲۱۸)

پاسخ شیخ طوسی: هیچ دلیل و سندی نداریم که زوجیت بطور مطلق، مستلزم توارث در میان زوجین باشد همسر موقت، زوجه شرعی است و ضرورت ندارد تمام احکام زوجیت ارث و طلاق و... بر آن مترتب شود اگر زن و مردی مرتد شوند بدون طلاق جدا می شوند و یا زن کتابیه و یا قاتل از شوهر ارث نمی برد (شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۶۵)

در مورد آیات سوره مومنون و معارج، باید بگوییم که آیاتی که راجع به ازدواج است و بدون قید آمده است شامل متعه هم میشود. مگر آنکه با قید قرینه ای از مطلق بودن ساقط شده باشد. به عبارتی ازدواج شرعی بر سه قسم؛ دائم، موقت و ملک یمین است. در واقع با تمسک به اطلاق آیه بر مشروعیت متعه استدلال میشود (فاضل مقداد، ۱۳۸۴، ج ۶: ۵۳) (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۴۸۲). از طرفی سوره مومنون و معارج مکی است و حال آنکه سوره نساء مدنی است و سور مکی بر مدنی مقدمند پس چگونه میتواند نسخ باشد، در حالیکه متأخر از آن است (شیخ مفید، ۱۴۲: ۱۴۳۴)

در مجموع میتوان چنین نتیجه گرفت که در آیات قرآن آیه ای در نسخ متعه وجود ندارد. بسیاری از مفسران حتی در برخی موارد اهل سنت، نسخ به وسیله آیات را نپذیرفته اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۵۴)؛ زیرا، الف) در صورت نسخ، این مسئله بر صحابه پیامبر (ص) تا زمان عمر پوشیده باقی نمی ماند و چطور امام علی (ع) و ابن عباس که آگاه ترین افراد به قرآن و نسخ و منسوخ آن بودند از آن آگاهی نداشته و آن را اعلام نکرده اند. ب) اگر نسخی در قرآن بود خلیفه باید نهی از متعه را بدان مستند میکرد نه به خودش. ج) عمل صحابه و تابعین بعد از پیامبر، قبل و بعد از نهی خلیفه دوم، برهان روشنی بر عدم نسخ آیه ازدواج موقت به قرآن میباشد. د) پذیرش روایات نسخ متعه (از علی بن ابیطالب - سبره جهنی - سلمه - ابن عباس - سعید بن مسیب - عمر و حسن بصری) که از زبان پیامبر صادر شده است نیز خود ناقض نسخ متعه با آیات می باشد.

^۹ آیه ۳۳۳/نور

۲-۱-۲) نسخ به روایات

صحابه بر ظهور ناسخ اباحه متعه اجماع دارند، به این صورت که احادیثی دال بر نسخ آن وارد شده است. فقها تحریم آن را از امام علی(ع)، عمر بن خطاب، ابن مسعود، ابن زبیر، ابن عمر و ... نقل کرده اند.

- روایت از علی : از جمله محمد بن حنفیه از امام علی(ع) نقل کرده است که منادی رسول خدا (ص) در روز خیبر ندا داد که بدانید خدا و رسولش شما را از متعه نهی کردند، هم چنین روایت دیگری که عبدالباقی از امام (ع) نقل می کند که فرموده اند: همانا رسول خدا (ص) از متعه زنان و از خوردن گوشت الاغ نهی کردند،

- از سبره : ابوحنیفه از زهری از محمد بن عبدالله از سبره الجهنی روایت کرده است که رسول خدا (ص) در سال فتح مکه متعه را سه روز حلال فرمود، پس من و پسر عمویم به دنبال آن رفته و من زنی را متعه کردم، چون شب را با او به صبح رساندم، منادی رسول خدا (ص) ندا داد که بدانید خدا و رسولش شما را از متعه نهی کردند، پس ای مردم به آن پایان دهید

- از عمر بن خطاب : مبنی بر نهی او از دو نوع متعه ای که در زمان رسول خدا (ص) بوده است، دلالت دارد بر این که نسخ اباحه متعه، برای صحابه روشن بوده است، با وجود این روایت می بینیم که هیچ یک از صحابه و راویان، این قول را بر او (عمر) منکر نشده اند

- از سلمه بن اکوع از پدرش که رسول خدا (ص) در سال اوطاس به متعه زنان اذن داد، سپس از آن نهی کرد.

روایتی از ابن عمر مبنی بر نهی رسول خدا (ص) از متعه در روز خیبر

- ابوهریره از پیامبر (ص) روایت می کند که ایشان در غزوه تبوک فرمودند: همانا خداوند تعالی، متعه را بطلاق، نکاح، عده و میراث حرام کرد..

- روایتی از زهری مبنی بر نهی رسول خدا (ص) از متعه در حجه الوداع. روایت دیگری مبنی بر نهی از آن در عام الفتح (سال فتح مکه) و دیگر روایات شبیه به این ها که روات در آن ها، اتفاق بر تحریم متعه دارند، اما در تاریخ آن اختلاف دارند.

- از ابن عباس : در مورد حکم متعه از ابن عباس چند قول روایت شده است: 1- او آیه «فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن فریضه» را بر اباحه متعه تأویل کرده و گفته است: متعه رحمتی بود از جانب خدا بر امت محمد (ص) و اگر عمر از آن نهی نکرده بود کسی جز شقی زنا نمی کرد، هم چنین پرسش و پاسخی بدین صورت بین عمار و ابن عباس صورت گرفته است 2- از او روایت شده است که متعه مانند میت، خون و گوشت خوک است، یعنی در این قول، متعه را هنگام ضرورت مباح می داند؛ 3- روایت شده از جابر بن زید که ابن عباس از قول خود در صرف و متعه رجوع کرده، یعنی قائل به تحریم آن شده است

(زبعلی، ۱۳۸۷ق، ص ۲۸۹؛ ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۵۷۱؛ طحاوی، ۱۳۹۹ق، ج ۳، ص ۳۹۷؛ سوید، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷۵؛ ابن حزم اندلسی، ۱۳۵۲ق، ج ۹، ص ۵۱۹؛ سرخسی، بی تا، ج ۶، ص ۴۲۶ و بیهقی، بی تا، ج ۷، ص ۲۰۰-۲۰۲)

بررسی ورد دلایل مذکور

روایاتی هم که مبنی بر حرمت و نهی از متعه از پیامبر(ص) نقل کرده اند، اولاً : همگی خبر واحد می باشند (و ثابت شده که عمل به خبر واحد در شریعت واجب نیست) ثانیاً : راویان آن ها ضعیف و مورد طعن می باشند و توثیق ندارند ثالثاً : روایات حرمت معارض با اخبار زیادی (در حد تواتر) هستند که مبنی بر استمرار اباحه متعه و عمل به آن می باشند تا زمانی که عمر از آن نهی کرده است (شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۶۸؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق،

ص ۴۹۷؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۳۳۷؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۳ق، ص ۴۱۱ و حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۱-۱۲). این قول «اباحه متعه» از ابن مسعود، جابر بن عبدالله، سلمه بن اکوع، ابن عباس، (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۱-۶) ابی سعید خدری، مغیره بن شعبه، معاویه بن ابی سفیان، ابن جریح، سعید بن جبیر، مجاهد و عطاء نیز نقل شده است (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۸۸-۲۸۲-۲۸۰-۲۹۰؛ ابن حزم اندلسی، ۱۳۵۲ق، ج ۹، ص ۵۱۹؛ طحاوی، ۱۳۹۹ق، ج ۳، ص ۳۹۲-۳۹۵؛ ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۵۷۱؛ قرطبی اندلسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۴۰؛ شوکانی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۱-۱۴ و نووی، ۱۳۹۲ق، ج ۹، ص ۱۷۹) رابعا: روایات دارای اضطراب است و با این وصف حجیت آن ها بر اثبات حرمت متعه قابل پذیرش نیست (دایکندی، ۱۳۸۶)

۲-۲) اختیارات حکومتی

بعضی نهی عمر از متعه را، از باب حکم حکومتی می دانند و در توجیه این مطلب دو گونه استدلال می آورند

۲-۲-۱) موقت بودن متعه در اصل تشریح

برخی معتقدند متعه در اصل مشروعیت خود، به واسطه اوضاع خاص صدر اسلام امری موقت و به اقتضای ضرورت بوده است، زیرا در ابتدای اسلام، مسلمین بیشتر در جنگ بودند و این امر مانع از تشکیل خانواده و تربیت اطفال بود. مضافا این که آداب شهوترانی جاهلیت هنوز باقی بود و غریزه جنسی آنان نیز باید اشباع می شد و دستور روزه گرفتن هم برای مردان در حال جنگ امری عقلانی نبود، لذا مجموع این عوامل یک حکم موقت به نام متعه را طلب می کرد (جزایری، بی تا: ج ۴، ص ۹۰-۹۱) مطابق این نظریه، حکم متعه از ابتدا موقت بوده و بعد از رفع مصلحت موقتی، خود به خود لغو شده و دیگر نیازی به مصلحت اندیشی عمر هم نبود

۲-۲-۲) حکم حکومتی و تحریم متعه

تحریم عمر: علامه طباطبایی به روایتی اشاره می نماید که در آن خلیفه دوم به علت نهی خود اشاره می نماید؛ «رسول خدا (ص) متعه را در زمانی حلال کرد که ضرورت در کار بود؛ مردم دسترسی به زن دائم نداشتند، ولی امروز مردم در وسعت قرار گرفته اند، و آن روز هم کسی از مسلمانان به این حکم عمل نکرد. من کسی را سراغ ندارم که آن روز و یا حتی این روزها به این حکم عمل کرده باشد، تازه امروز هم می توانند از زنان بهره بگیرند و بعد از سه روز هم از او جدا شوند، اما با عقد دائمی و طلاق، پس رأی من درست است» (طباطبایی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۴: ۴۷۳ ب، به نقل از: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۲: ۱۲۱).

از روایت عمر می توان این را فهمید که متعه در زمان پیامبر جایز بوده و عمر آن را تحریم نمود. روایتهای زیادی از اهل سنت وارد شده که عمر مجازات مرتکبین به متعه را سنگسار بیان کرده و بر اجرای آن قسم یاد کرده است (سیوطی، ۱۴۰۴ ق ج ۲: ۱۴۱)

سخن عمر اعلام حکم خدا و رسول نیست بلکه تحریمی ابتدایی است. خلیفه از آن جهت به خود این حق را داد که تصور میکرد این مسئله داخل در حوزه اختیارات ولی امر مسلمین است و هر حاکمی میتواند از اختیارات خود به حسب مقتضای زمان از این گونه موارد استفاده کند. به همین جهت با عکس العمل مخالف مردم روبرو شد. به عبارت دیگر نهی خلیفه، نهی سیاسی بود نه نهی شرعی و قانونی (مطهری، ۱۳۷۹: ۶۷). علامه شرف الدین در کتاب اجتهاد در مقابل نص به تفصیل به این موضوع پرداخته است: طبق آنچه از تاریخ استفاده می شود خلیفه در دوره زعامت، نگرانی خود از پراکنده شدن صحابه در اقطار کشور تازه وسعت یافته اسلامی و اختلاط با ملل تازه مسلمانان را پنهان نمی کرد و تا زنده بود مانع پراکنده شدن آن ها از مدینه بود به طریق اولی از امتزاج خونی آن ها

با تازه مسلمان ، قبل از آنکه تربیت اسلامی عمیقا در آن ها اثر کند ، ناراضی بود و آن را خطری برای نسل آینده به شمار می آورد و بدیهی است که این علت ، امر موقتی بیش نبود و علت اینکه مسلمین آن وقت زیر بار این تحریم خلیفه رفتند این بود که فرمان خلیفه را به عنوان یک مصلحت سیاسی و موقتی تلقی کردند نه به عنوان یک قانون دائم و الا ممکن نبود خلیفه وقت بگوید پیغمبر (ص ۹) چنان دستور داده است و من چنین دستور می دهم و مردم هم سخن او را بپذیرند. ولی بعدها در اثر جریانات بخصوصی سیره خلفای پیشین بالاخص دو خلیفه اول یک برنامه ثابت تلقی شد و کار تعصب به آنجا کشید که یک قانون اصلی به خود گرفت (شرف الدین عاملی، ۱۳۷۷: ۲۸۳-۲۹۰).

جمعی از یاران پیامبر رای خلیفه را نپذیرفتند ۱- امام علی (ع) ۲- عبدالله بن عباس ۳- جابر بن عبدالله انصاری ۴- عبدالله بن مسعود ۵- عمران بن حصین ۶- عبدالله بن عمر ۷- ابوسعید خدری ۸- سلمه بن امیه بن خلف ۹- زبیر بن عوام ۱۰- معاویه بن ابوسفیان ۱۱- سمیر ۱۲- خالد بن مخزومی ۱۳- عمرو بن حرث ۱۴- ربیعہ ابن امیه ۱۵- سعید بن جبیر ۱۶- ابی بن کعب ۱۷- طاووس یمانی ۱۸- مجاهد ۱۹- عطا ابو محمد یمانی ۲۰- زفر بن اوس مدنی ۲۱- سدی ۲۲- ابن جریح ۲۳- ابو حیان ۲۴- سرخسی ۲۵- مالک و... (امینی، الغدیر، ج ۳، ص ۲۲۲)

دفاع از تحریم عمر

از میان مفسران فخر رازی در تفسیر خود کوشیده تا تحریم خلیفه دوم را توجیه کند: « عمر خطبه خود را در میان جمعی از صحابه خواند. حتی یک نفر هم بعد از شنیدن آن این مسئله را انکار نکرد و این از چند حالت خارج نیست: صحابه عالم به حرمت متعه بودند به همین جهت سکوت کردند ؛ عالم به اباحه متعه بودند اما به جهت سازش با خلیفه سکوت کردند؛ و نسبت به حرمت و اباحه متعه هیچ شناختی نداشتند. به عبارتی در این مسئله توقف کردند:

و از این سه نظر، احتمال اول مطلوب است به جهت اینکه احتمال دوم سبب تکفیر عمر و صحابه خواهد بود، زیرا نسخ حکم الهی در واقع کفر به خداست چرا که تغییر در احکام شریعت است. احتمال سوم نیز باطل است چون متعه از آنجا که نوعی ازدواج است از امور مبتلا به مردم بوده است؛ پس امکان نداشته که از حکم آن اطلاع نداشته باشند. پس حاضرین در مجلس از نسخ این حکم اطلاع داشتند و به همین جهت سکوت کردند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق،

ج ۱۰: ۱). جالب توجه این است که در زمان نهی از متعه در زمان خلیفه دوم، که مباحث فرقه ای و تعصبی به

صورت جدی مطرح نبود، صحابه و تابعینی بودند که نهی و تحریم وی را بدون مستند شرعی تلقی کرده و اعتنایی به نهی خلیفه دوم نمی کردند. (افضل آبادی، ۱۳۹۰: ۲۸). نقد شیخ طوسی بر فخر رازی: این نشان می دهد نسخ را پیامبر انجام نداده ۲- احتمال چهارم هم این است که یاران پیامبر اکرم (ص ۹) ازدواج موقت را چنان قطعی و تردید ناپذیر می دانستند که مطوئن بودند خلیفه در این اقدام خود ، توفیق نمی یابد و هیچ واکنشی در برابر وی ضرورت ندارد (دایکندی ، ۱۳۸۶)

۲-۳) اجماع صحابه به تحریم متعه

مدعیان تحریم متعه معتقدند همه اصحاب و تابعین بع از رسول خدا (ص) معتقد به تحریم نکاح متعه بوده اند لذا زمانی که عمر تحریم متعه را اعلام کرد ، هیچ صحابه ای به تحریم متعه اعتراض نکرد و همه پذیرفتند (فتح الباری ، ج ۹ ، ص ۱۴۲) خطابی از دانشمندان اهل سنت در این باره می گوید « تحریم نکاح متعه به جز از جانب برخی از شیعه ، مانند یک مسئله اجماعی است (ابن قدامه ، عبدالرحمن ، ج ۷ ، ص ۵۳۷)

پاسخ از صاحب جواهر: اجماع شیعه و اهل بیت (ع) و بزرگانی از صحابه و تابعین که تسلیم حکم خلیفه نشدند سی نفر را ذکر می کند از جمله امام حنبل از دواج موقت را حلال می داند (دایکندی، ۱۳۸۶)

۴-۲) تحریم به عقل:

اما دلیل نظری بر تحریم متعه این می باشد که روشن است که عقد نکاح اگرچه بنا بر مباح شدن منافع بضع واقع می شود، همانا استحقاق آن منافع با عقد نکاح، به منزله عقود بر مملوکات از اعیان است، در حالی که آن، با عقود اجارات که بر منافع اعیان واقع می شوند مخالف است. (جصاص، ۱۴۰۵، ق، ج ۴: ۲۹۱)

نکاح موقت و تفاوت آن با نکاح متعه

گرچه فقها بر تحریم متعه اتفاق نظر دارند، اما در مورد کسی که با زنی برای مدت و ایام معلومی ازدواج کند (یعنی اگر نکاح مدت دار، به لفظ تزویج باشد) اختلاف دارند. این نوع نکاح، نکاح موقت خوانده می شود. فرق نکاح متعه با نکاح موقت این است که نکاح متعه، فقط به لفظ استمتاع یا تمتع (گرچه در این امر اختلاف است) و بدون شهود می باشد، اما نکاح موقت، با ذکر لفظ تزویج یا نکاح و با حضور شاهد است و مانند متعه، دارای مدت می باشد. مشهور در نزد حنفیه این است که در نکاح متعه شرط می باشد که به لفظ متعه باشد مانند این که مرد به زن بگوید: «متعینی بنفسک»، اما بعضی دیگر از آن ها گویند که این امر ثابت نیست، لذا فرقی بین نکاح متعه و موقت قائل نیستند.

ابوحنیفه، ابویوسف و محمد قائل اند هنگامی که با زنی به مدت مثلاً ده روز ازدواج کند، باطل است و نکاحی بین آن دو نمی باشد، اما زفر و ابوعبدالله قائل اند نکاح جایز، صحیح و لازم است و به صورت دائم درمی آید و شرط باطل می باشد (قوچانی، طیب، حسینی، ۱۳۹۵)

نکاح مسیار

قرنهاست که فقها اهل سنت در خصوص نکاح متعه با امامیه اختلاف نظر دارند و نکاح متعه را که فاقد نفقه و مبی و توارث است و به صورت زمانمند منعقد می شود، تخطئه می کنند و قائل به تحریم و نسخ آن هستند. اخیراً در جوامع اهل سنت نوعی نکاح رواج یافته که اگرچه نکاح دائم است، اما از حیث نتیجه بسیار شبیه به نکاح متعه است و با شرطی که ضمن عقد صورت می گیرد، حق نفقه، سکونت، مبی و احیاناً حق مطالبه ارث به نحوی از انحاز زوجه سلب می شود و در مقابل، آزادی نسبی نصیب زوجه می شود. رواج روزافزون این نکاح در بین اهل سنت آنها را به بررسی مشروعیت آن و داشته است و چهار نظر متمایز از آنها صادر شده است. اما اکثر قائل به صحت این نکاح و شروط آن شده اند و ظاهر آچارهای جز جویر آن نداشته اند. زیر اشیوع گسترده ای در بین مردم خصوصاً جوانان داشته است و استقبال بی نظیری از آن صورت گرفته است، به گونه ای که برخی آن را از ضرورت های زمان حاضر به حساب آورده اند و با اگر قائل به جواز آن شده اند (ابن سلیم، ۲۲۲۲م، ص ۱۵)

معنای لغوی مسیار

واژه مسیار از کلمات نوپیدایی که در کتب لغت ذکر از آن به میان نیامده است. وجه تسمیه مسیار را به سه صورت بیان کرده اند: ۱- اصطلاح عامیانه ای است برای موردی که مرد در یکی از شهرهای مسیر گردش و ترددش برای تجارت یا کسب علم با زنی ازدواج میکند که در زمان تحصیل یا تجارت نزد او باشد. این دیدگاه را قرضای پذیرفته و می نویسد: «مسیار کلمه

ای است که در خلیج فارس رواج یافته و شاید به معنای مروره زوجه یا سیر به وی می باشد و ازدواجی است که در آن زندگی دائمی و مبیت نیست» (اشقر، 1022، ق، ج 1، ص 131)

۲. مسیار کلمه ای عربی است که به لهجهی اهل بادیه باز میگرد و منظور از آن سیر به سوی زوجه و خوشحال نمودن وی می باشد (همان)

۳. برخی معتقدند «مسیار» صیغه مبالغه از «سیر» است. اهل لغت گفته اند «السیر: المزی فی الارض» (راغب اصفهانی، ۱۹۳۲، ص ۲۰۷) وقتی گفته می شود: «رجل مسیار و سیار»؛ یعنی «الرجل الكثير السیر» و چون در اینگونه ازدواجها، مرد هر وقت که خواست به سوی همسرش می رود و معمولاً با او بیتوته نمی کند و نزد او مستقر نمی شود به همین سبب نکاح مسیار نامیده شده است و دلیل اینکه مسیار برای این نوع ازدواج قرار داده شده این است که در آن «التزامی به حقوق زوجیت وجود ندارد و مرد در این ازدواج حالت مرد سیاری را دارد که خود را ملتزم به حقوقی که از دواج مقتضی آن است مانند نفقه و مبیت نمی داند» (اشقر، ۱۰۲۲، ق، ج ۱، ص ۱۳۱)

تعریف اصطلاحی مسیار

اصطلاح مسیار از موضوعات مستحدثه است که در اثر ضرورتهای زمان و محیط در دهه های اخیر مورد بحث قرار گرفته است و در کتابهای فقهی قدیمی چنین اصطلاحی وجود ندارد. در تعریف اصطلاحی مسیار نیز اتحاد رأی وجود ندارد. اما با توجه به آنچه در ذیل خواهد آمد، نکاح مسیار نکاح دائمی بوده و کلیه شرایط نکاح دائم را مانند ایجاب و قبول، مهر، اجازه ولی و حضور دو شاهد را دارد و همینکه به طور صحیح واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار میشود با این تفاوت که با شرط ضمن العقد یا اجرای عقد بر مبنای تراضی و توافق قبل از عقد و بابر مبنای عرفی و بیاتعه اخلاقی، زن از بسیاری از حقوق خود مانند: حق نفقه، سکنی، قسم و مبیت میگذرد و ممکن است مرد نیز از بعضی از حقوق خود، مانند حق تسلط بر زن در رابطه با عدم خروج از منزل یا عدم اشتغال به کار بیادان و بگذرد یا ممکن است طرفین متقابلاً از حق ارث خود نسبت به دیگری گذشت نمایند. از فقهای شیعه تنها یک فرد در زمینه نکاح مسیار تعریفی ارائه نموده است: «به حسب ظاهر نکاح مسیار، نکاح دائم با جمیع شرایط آن است؛ الا اینکه در آن حق نفقه و قسم و وارث نیست با اشتراط به عدم مطالبه این حقوق از جانب زوجه نه عدم استحقاق او» (مکارم شیرازی، 1982، ش، ج 5، ص 22).

نسبت نکاح مسیار و متعه

آنچه در نکاح مسیار دنبال می شود، همان احکامی است که شارع در نکاح متعه جعل و تشریح نموده و فقهای عامه به خاطر تحریم نکاح متعه به ناچار تن به جواز چنین نکاحی داده اند تا جای خالی نهاد مشروع نکاح متعه را تا حدودی جبران نماید و پاسخگوی نیاز جوانان اهل سنت باشند. در خصوص نکاح مسیار بین فقهای اهل سنت چهار نظر قابل احصاست. گروهی عقد نکاح و شروط آن را صحیح می دانند. گروه دوم عقد را صحیح و شروط آن را باطل دانسته اند. گروه سوم عقد و شروط را باطل میدانند. گروه چهارم قائل به توقف شده اند. اما اکثریت قریب به اتفاق فقهای عامه قائل به صحت عقد و شرایط آن میباشند. در مورد نکاح متعه اگرچه همه علمای مسلمان بر اصل تشریح نکاح متعه متفق القول هستند، اما فقهای عامه معتقد به نسخ حکم آن بوده و قائل به تحریم آن می باشند. در مقابل امامیه قائل به بقای جواز و مشروعیت آن بوده و آن را از ضروریات مذهب می دانند. فقهای امامیه با وجود نهاد

نکاح متعه، نیازی به نکاح مسیاری و امثال آن نمی بینند. بنا بر آنچه تاکنون گفته شد و جوه تشابه و تمایز این دو نکاح روشن می شود که به اختصار در ذیل به آنها می پردازیم:

شباهتهای دو نکاح

هر دو عقد، ماهیت مشترک دارند و واجد تمام ارکان و شرایط نکاح صحیح بوده و عنوان نکاح و زواج بر آنها صدق می کند و مشتمل بر ایجاب و قبول و تعیین زوج، زوجه و مهر بوده و در هر دو نکاح زن باید خالی از موانع شرعی نکاح باشد و همین که عقد به طور صحیح واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف آنان در مقابل یکدیگر برقرار می شود. اولاد ملحق به پدر و مادرند و تمام احکام مربوط به ولد از قبیل محرمیت، ارث، نفقه، حضانت و ولایت بر آنها مترتب است و فرزند ملحق به شوهر است، اگر چه عزل کرده باشد و در هر دو، نکاح با زن مشرک جایز نبوده و انتشار حرمت به واسطه مصاهرت و رضاع و حرمت جمع بین اختین وجود دارد. با فسخ نکاح یا طلاق در نکاح مسیاری و بذل یا پایان مدت در نکاح متعه و در صورت مواقعه و نیز در وطی به شبهه، زن باید عده نگه دارد. البته مدت عده در نکاح موقت کوتاهتر از عده نکاح مسیاری میباشد و در صورت عدم مواقعه و همچنین یا نسه بودن زن، عده نیست؛ ولی عده وفات در هر دو باید رعایت شود. در هر دو از دواج زن حق نفقه، سکونت، حق قسم و مبیعت ندارد. زوجین از یکدیگر ارث نمی برند. خروج زن نیز از منزل، نیازمند اجازه شوهر نمیباشد و حق قوامیت مرد محدود می شود. در نتیجه نکاح مسیاری با طناً و از حیث نتیجه شبیه به نکاح متعه است. اگر چه ظاهر آن نکاح دائم به حساب می آید.

تفاوتهای دو نکاح

در نکاح متعه، مدت از دواج باید صراحتاً قید شود و عدم تعیین مدت موجب بطلان نکاح متعه و تبدیل آن به نکاح دائم می شود. اما در نکاح مسیاری مدت تعیین نمی شود و به صورت عقد دائم منعقد می شود و تعیین مدت در آن موجب بطلان عقد می شود. بررسی مقایسه ای نکاح متعه و نکاح مسیاری در نفقه تعیین مهریه در نکاح متعه لازم است و در صورت عدم تعیین مهریه نکاح متعه باطل است. ولی نکاح مسیاری بدون ذکر مهر صحیح است و طرفین می توانند بعد از عقد مهر را با تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود، زوجه مستحق مهر المثل خواهد بود. پایان نکاح متعه با انقضای مدت یا بذل بقیه مدت صورت می گیرد در حالیکه پایان از دواج مسیاری با طلاق است. در نکاح متعه، حد نصاب مطرح نیست، اما حد نصاب در نکاح مسیاری مانند از دواج دائم چهار زن می باشد. نکاح متعه با زن کتابیه جایز است، ولی نکاح مسیاری جایز نیست. حضور دو شاهد عادل در نکاح متعه مستحب، ولی در نکاح مسیاری واجب است. مدت عده در نکاح متعه دو قرء و در نکاح مسیاری سه قرء است. نکاح متعه دارای پیشینه تاریخی است؛ اما نکاح مسیاری از مسائل مستحدثه است. در نکاح متعه، ثبوت حق نفقه و قسم و بنا به نظر برخی ارث و حق قوامیت برای مرد، نیازمند شرط است؛ در حالیکه عدم حقوق مزبور در نکاح مسیاری وابسته به شرط است.

مزیت های نکاح متعه بر مسیاری

تمام آنچه در نکاح مسیاری دنبال می شود در نکاح متعه حاصل است و در آن نفقه و قسم واجب نبوده و توارث بین زوجین وجود ندارد و احکام آن از جانب شارع تشریح شده است. صرف نظر از مشروعیت نکاح مسیاری، ساختار این از دواج از جهتی نظیر

قراردادهای الحاقی^{۱۰} بوده واضطرار یک طرفه زوجه از علل این ازدواج است. در نکاح مسیاری اسقاط حقوق زوجه در مقابل امتیازاتی که عایدش میشود برابر نیست، اگرچه زن بارضایت خود از نفقه، ارث و حق قسم خود صرف نظر میکند. اما روشن است که اضطرار وی که ممکن است نتیجه بالابودن سن یا شرایط مالی وی باشد، موجب این انتخاب میشود. این در حالی است که ساختار ازدواج موقت فضای بسیار وسیعتری را برای زوجه ایجاد کرده تا حین ازدواج دارای حقوق مشروع و خواه خود شود. لزوم تعیین مهریه حین العقد در نکاح متعه از مزایای آن بر مسیاری است که تا حدود زیادی حقوق زوجه را تضمین می نماید. ضمناً تمامی ایراداتی که اهل سنت به ساختار ازدواج موقت گرفته اند به طریق اولی بر ماهیت نکاح مسیاری وارد است، علاوه بر آنکه در نکاح مسیاری تعادلی بین حقوق و تکالیف زوجین نمی باشد و زنان از بلا تکلیفی بیشتری رنج می برند. (روستایی صدرآبادی، آیتی، ۱۳۹۱)

۱۰

«قرارداد الحاقی، قراردادی است که در آن شروط و مفاد قرارداد توسط یک طرف از پیش تهیه شده و طرف دیگر بدون مناقشه آن را می پذیرد و نیز متعلق قرارداد، کالا یا خدمت یا امر ضروری است که در عمل یا به طور قانونی در انحصار عرضه کننده آن است یا رقابت در آن خیلی محدود است» (صده، ۱۳۷۰م، ص ۷۲).

نتیجه

برایند این تحقیق نشان می دهد که اتفاق نظر بر حلیت متعه در صدر اسلام وجود داشته و اختلاف در بین اهل سنت در چگونگی تحریم آن است. یعنی نسخ به وسیله کتاب و سنت و یا نهی خلیفه که مشروعیت محدود ازدواج موقت را نتیجه میدهد. هر گروه از مفسران برای اثبات مشروعیت ازدواج موقت به دلایلی از قرآن، سنت، عقل و اجماع و... استناد می کنند که در متن تحقیق ارائه و بررسی شد. اما آنچه که مورد توجه قرار گرفت این بود ه واژگان مطرح در آیه مانند "استمتاع" در نظر بیشتر مفسران دلالت لغوی و اصطلاحی بر متعه و ازدواج موقت دارد و عدم پذیرش این معنا مستلزم امری است که با ازدواج دائم تعارض دارد. نسخ حکم متعه نیز با آیات دیگر و روایات متعارض پذیرفتنی نیست. روایات تفسیری معصومین که به تبیین احکام الهی می پردازند و نکاح متعه را از ضروریات مذهب می دانند، از کارسازترین قرائن در برداشت حکم متعه برای مفسران شیعی است که متأسفانه دیگر مذاهب بی توجه به آن هستند.

با تأسف بسیار عدم همراهی اهل سنت با حکم نکاح متعه، از عمده ترین دلایل تضعیف این حکم الهی است. در حالی که نکاح متعه که ضرورت اجتماعی است و حکمت حلیت این نوع از نکاح در جوامع مسلمان در حال حاضر به مراتب بیش تر از عصر پیامبر است و آنچه که اکنون تحت عناوینی جعلی و جدید مانند نکاح مسیار در جهان اهل سنت رایج شده است؛ همان عقد موقتی است که شیعیان به پیروی از معصومین از آن دفاع می کنند. تشابه و تفاوت نکاح متعه و نکاح مسیار در متن تحقیق آمده است منتهی تمام ایرادتی که اهل سنت بر نکاح متعه گرفته اند به طریق اولی بر ماهیت نکاح مسیار وارد است علاوه براینکه در نکاح مسیار تعادلی بین حقوق و تکالیف زوجین نمی باشد و زنان از بالاتکلیفی بیشتری رنج می برند .

در عصر حاضر باید با رویکردی عقلانی و مستند به کلام الهی و سیره پیامبر اکرم (ص) به تبیین این ازدواج و ضرورت های اجتماعی آن پرداخت.

پیشنهاد

با توجه به سوء استفاده افراد هوسران، تبلیغات اهل تسنن، غربگراها و فمنیست ها، در جوامع شیعی از نکاح متعه استقبال خوبی نمی شود لذا پیشنهاد می شود چالش های ازدواج موقت بصورت میدانی در این جوامع شناخته شود و قوانین دقیق برای اجرایی کردن این نکاح نوشته شود و نکاح متعه همانند نکاح دائم ثبت رسمی شود. با ارادی که از این نکاح سوئی استفاده می کنند برخورد قانونی شود. حقوق دانان شکل های قانونی و نوینی از ازدواج به کمک نکاح متعه تدوین کنند.

منابع

قران کریم

- ابن سلیم، عرفان، نکاح المسیار و احکام الانکحة المحرمه، ج ۱، بیروت، المكتبة العصرية، ۲۲۲۲ م
- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، المحلی بالآثار شرح المجلی باختصار، التحقيق: محمد منیر الدمشقی، مصر: اداره الطباعة المنیریة، ۱۳۵۲ ش.
- ابن قدامه، عبالرحمن، الشرح الكبير، بیروت (دار الکتب العربی، ج ۷، ص ۵۳۷
- ابن قدامه مقدسی، عبدالله بن احمد، المغنی فی فقه الامام احمد بن حنبل الشیبانی، ج 1، بیروت، دارالفکر، 1405 ق.
- ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بی جا، بی تا، ج ۸ ص ۳۲۸
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۰۸۴۱ ه.ق). فتح الباری. بیروت: دار احیاء التراث العربی
- ابن ماجه، محمد بن یزید. (بی تا). سنن ابن ماجه. بیروت: دارالفکر.
- اشقر، اسامه عمر سلیمان، مستجدات فقهیه فی قضا یا الزواج والطلاق، ج 1، اردن، در النفاثس، 1022 ق
- افضل آبادی، محسن. (۱۳۹۰). ازدواج موقت از دیدگاه قرآن و سنت؛ برگرفته از دروس تفسیری آیات الأحکام آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی. قم: برگ فردوس
- امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۳
- بابر تی، اکمل الدین محمد ابن محمود ابن احمد، العنایة شرح الهدایه، بی جا، ۱۶۲ ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ ه.ق). صحیح البخاری. بیروت: دار احیاء التراث العربی
- بیهقی، ابی بکر احمد بن حسین، سنن الکبری، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷ ش.
- روستائی صدر آبادی، حمید؛ آیتی، سید محمد رضا
- ۱۳۹۱ پژوهش نامه فقه و حقوق اسلامی، سال پنجم، شماره دهم، پاییز و زمستان،
- قوجائی خامنه، مریم؛ طیب حسینی، سید محمود، ۱۳۵۹، پژوهش های تفسیر تطبیقی :: بهار و تابستان شماره ۳
- تمیمی، احمد، نکاح المسیار، هلند، مجله الاسره، ش ۳، ۱۳۳۷ م.
- جارالله، موسی. (۱۹۴۹ م). الوشیعة فی نقد عقائد الشیعه. بیجا: مطبعة الیکلانی
- جزیری، عبدالرحمن: «الفقه علی المذاهب الاربعه»، بی نا، بی تا.
- جصاص، احمد بن علی الرازی، احکام القرآن للجصاص، به کوشش محمد الصادق قمحاوی، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، 1405 ق.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). تسنیم. قم: إسرائ.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۸۶۱۳). الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربیة. تهران: انتشارات امیری.
- حر عاملی، محمد بن حسن بن علی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، به کوشش گروه پژوهش موسسه
- آل البيت (ع)، ج ۱، قم، موسسه آل البيت (ع) ۱۴۰۹ ق
- خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۲۷
- دایکندی، محمد اکبر، ۱۳۸۶، ازدواج موقت در قران کریم، کلام و فلسفه سفیر نور بهار، شماره ۱
- زبعلی، عثمان ابن علی، تبیین الحقایق، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، 1387 ش
- راغب اصفهانی، حسین بن علی. (۱۲۴۱ ه.ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالعلم الشامیه.

- راغب اصفهانی، ابوالقاسم، المحاضرات، بیجا، بیجا، بینا، بیتا، ج ۲. المفردات راغب، بیجا، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۹۳۲ ش
- رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر. (۲۰۴۱ ه.ق). مفاتیح الغی. بیروت: دار إحياء التراث العربی
- روستایی صدرآبادی، حمید، آیتی، سید، محمد رضا، ۱۳۹۱، بررسی مقایسه ای نکاح متعه و نکاح مسیار در فقه
- مبنای فقهی حقوق اسلامی :: پاییز وزمستان - شماره ۱۰ (پژوهشی علمی)
- سرخسی، ابوبکر محمد بن حسن، المبسوط، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۴ ق
- سغدی، ابی الحسن علی بن حسین بن محمد، التنف فی الفتاوی، به کوشش محمد نبیل البحصلی، ج ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
- سوید، محمد، المذاهب الاسلامیه الخمسه و المذهب الموحد، ج ۲، بیروت، دارالتقريب بين المذاهب الاسلامیه، ۱۴۱۸ ق.
- سیوطی، جلال الدین. (۴۰۴۱ ه.ق). الدر المنثور فی تفسیر المنثور. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- شرف الدین عاملی، عبدالحسین. (۱۳۷۷). النص و الاجتهاد (چاپ نهم). (ترجمه علی دوانی). ق م: دفتر انتشارات اسلامی
- شریف پور، نجمه؛ دهقان منگ آبادی، بمانعلی، ۱۳۹۴، بررسی تطبیقی حکم نکاح متعه از دیدگاه شیخ طوسی ابوحنیفه و، مبنای فقهی حقوق اسلامی :: بهار و تابستان شماره ۱۵ (علمی پژوهشی)
- شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، الانتصار فی انفرادات الامامیه، به کوشش گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۵ ق.
- شوکانی، محمد، نیل الاوطار من احادیث سید الأخیار شرح منتقى الاخبار، مصر، شوکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابى الحلبي، بی تا.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، المقنع، به کوشش گروه پژوهش امام هادی (ع)، ج ۱، قم، موسسه امام هادی (ع)، ۱۴۱۵ ق.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعه، ج ۱، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره)، ۱۴۱۳ ق.
- شیخ مفید، محمد بن محمد. (۱۴۲۴). تفسیر القرآن المجید. قم: مرکز طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۵۳). ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه محمد باقر موسی همدانی. ق م
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، ج ۵، ۱۰۳
- طحاوی، احمد بن محمد، شرح معانی الآثار، به کوشش محمد زهری النجار، ج ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۹ ق.
- طریحی، فخر الدین ابن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۱ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۵، الخلاف، ج ۴، قم، موسسه نشر اسلامی
- طوسی، محمد بن حسن. (بیتا). التبیان فی تفسیر القرآن. ج ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، ج ۹ ف ص ۱۴۲
- علامه حلّی ۱۴۲۰
- علی، جواد. (۱۳۸۰). المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام. بیروت: دار العلم للملایین

- فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله، ضد القواعد الفقہیہ علی مذهب الامامیہ، به کوشش سید عبد ا--
 اللطیف حسینی کوه کمری، چ ۱، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۳ق.
 -فراهیدی، خلیل بن احمد. (۵۰۴۱ ه.ق). کتاب العین. قم: دار الهجرة.
 -قرطبی ۱۳۶۴
 -قرطبی اندلسی، ابن رشد ابوالولید محمد بن احمد، بدایة المجتهد و نہایة المقتصد، تحقیق عبدالرئوف سعد،
 بیروت، طه، ۱۴۰۹ق.
 -قشیری النیشابوری، مسلم بن حجاج ابوالحسین، صحیح مسلم، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار التراث
 العربی، بی تا.)
 -قوچانی ، خامنه ، طیب ، مریم ، حسینی ، سید محمود ۱۳۹۵ ، بررسی تطبیقی آیه "استمتاع " در نگاه مفسران
 فریقین ، پژوهش تفسیرهای تطبیقی بهار وتابستان ، شماره ۳ ، (پژوهشی -علمی)
 -مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، بیجا، قم، نشر مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، 1982م، ج 5
 -مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه
 -مستدرک الوسایل ج ۱۴ ، ص ۴۵۲
 -مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹). نظام حقوق زن در اسلام (چاپ ۲۹). تهران: صدرا
 - میکائیل اف، ذوالفقار، ۱۳۸۸، ازدواج موقت از دیدگاه بزرگان فریقین ، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی ، شماره
 ۳۰
 -وسایل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۴۳۷
 -وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ص ۴۳۹
 -نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف بن مروی، شرح النووی علی مسلم، ج 2، بیروت، دارالإحیاء التراث العربی، 1392ق.
 - هاشمی رفسنجانی ، اکبر و جمعی از محققان حوزه علمیه قم ، ۱۳۸۶ ، دفتر تبلیغات اسلامی ف مرکز فرهنگ
 و معارف قران تفسیر راهنما ، بوستان کتاب قم
 - هاشمی ، سید حسین ، ۱۳۸۶ ، نقدی بر ازدواج موقت در فقه عامه ، مطالعات راهبردی زنان :: بهار شماره ۳۵